

یافته کو خون بریز و شعله کو گردن بز
پیر جانی ترک جانان منقلب احباب نیست
امیر خسرو دهلوی

دکتر سالوادر آلینده گونسس

— ۱ —

انحصار های غول پیکر ایالات متحده
«ستامارت این» «پوپایه فریت»
«آنتانی» «آتا کوندا»
و نهایی منجوس دیگری از این جنس
فرارهای لایق نظامی شایسته خودشان
وجود آورده اند

بالای سر یک جامه غارت شده
یک «ایگوشی» بر ذرق و برق از غر
پهلای محلی
چا کران و میاشران خود آنها
و بعضی برای حفظ پشامگری این
«ایگوشی»

و بوز برای حفظ جلاول انحصار ها
یک «غوتا»
بماند از خشک بته های بی سر
که مردم با لب پر ستای «گوریل»
داده اند
موجوداتی بی اندک «چانور سخت»
طایفه به کس

با چنگه های شون آلود
آماده برای سوختن «کشتن» بر درازان
از «آرشی» رئیس جمهور گوآتهالا
تا «دکتر سالوادر آلینده گونسس»
رئیس جمهور شهبه شلی
گوریل ها با فرمان انحصار ها و ایگوشی
۱۸ بار چاق خود را بی پروا فرو
آورده

دکتر سالوادر آلینده
این پزشک نجیب شصت و پنج ساله
که اباقتش به آردان غلغ غل چون گوهایی
آه با برجا بود
در «لامونه دا» کاخ کهن ریاست
جمهوری

چندان ایستاد
«گوریل ها» را با هفت ضرب گلوله
از پای در آورده
این پایان یک حماسه خوراکی است
«آنتا شرف زومی»
ولی آغاز یک استوری جادو بود
استوری رئیس جمهوری شهبه
که مظهر بلایی است از واداری
رنجیدگان

استوری ای که طی زمان خون
نیرو میگرد
و همچون طوفان برانان تر میشود
تا اینکه «کاش سیده» و «پیتاگون»

نهیب آترا در دیوار های لرزان خود
احساس کند
حشا و مسلماً احساس خواهد کرد ...

— ۲ —

دکتر سالوادر آلینده گونسس
کسی که در این جنگل تخریبان
برست
آهوه و سوسا و متق برای قانون
«مکراسی» پتر دوسلی داشت
سر انجم از جانب کاشیکه در ریاست
خود را می ایستاده اند
و خود را با شعله گران «ووادار» نشان
میداد

بیرحانه دفته زهر آگین غور
و اینکه آن دستگاه «ممن» سرمایه
داری غرب
که روزی برای «سوسالیس داریتیه»
اسانی «انکیزی» میگرد
و امروز برای حوامه پایانی از نوع
ساخاروف (۱)

دوروز کوشش بی بند می کند
در قبال کشتن «سایا گود» و «ووادار»
آلود
در برابر تیربران چس «کتاب سوزانی»
در بازه خشکته های جوتانی بازداشتگان
در برابر کاشیکه «انکیزی» خون آلود را
روی فرنج نظامی پاک می کند
در بازه خشکته آخرین سلطان «پانورودا»
باز کرین خاخر آمریکایی لائین
در برابر خانه هالی که موشه و تاتک
آنها را شعله ور و بران میزد
یا خاموش است یا به سلسله های مجه
بسته می کند

بنظر آنها در این قامت خون آلود
اگر گمشماران هم بی میان باشد
این تها «آلینده» است
که در دفاع از مردم با برجا بود
و به راهزنان اجازه نداد حقه در پرده
تواند راهزنی کند
و آنها را واداشت که سرانجام پروژه کره
خود را نشان دهند
و ساطور های خود را بر کت درآوردند
آری «غرب سرمایه داری همیشه در اوج
جلبات بود
و اینکه به قه سالیس نیز دست بگذاشت

— ۳ —

در پشت سر پناه قلیت گوریل ها و
چنگه ساید «آردان

سایه سایه «سایا» دیده میشود
ما با این سایه ایلیسی آشنا هستیم
آترا در جریان سقوط دکتر محبه معین
دیده ایم
آترا در جریان کشتار هراس انگیز
استوری

در ترازوی شهادت لوموبا
در قه «سرهنگهای سیده» یونانیدام
آری «ملیحه شلی» برای ما ناشناس نیست
ما دیگر اکنون «ایگوشی» خود را
داریم

و «غوتا» خود را داریم
و گوریلها خود را داریم
و گوریلها گوریلها را داریم
و یکده و شصت و نهم و ذرق و برق
و سواک و خشکته گاه و باغ و مهرا و
داد گاه نظامی
و تیرانها و تیرانها و تیرانها
و انحصار های خشک پوش که از غرب
آمده اند

و در هتل های ساحل خلیج
چنگام یارونی های قدر شوشت ایران را
حل می کنند
و بر روی تخت «مس» او خوابیده دست
می گیرند
تهران ما هم با گوریلها و ملائی و واداری
اشراقی آراسته میشود
با استخرهای آبی «پرن ریالی» پارک
سعی «پرن ریالی» جوانان جوانان

و در عه با زاه های گرد آلود نظر
«ممن» میکند
و سرت یک شکم سیر و یک کارآزمایش
آری «گودا» ساری در ایران نیز
نیز گاه «خود را بیرون میآورد»
«پست ایرانی» و «پکر ایرانی»

— ۴ —

هفته گاه در پیگرد دکتر سالوادر آلینده
و هر گوله ای را سبک به «چای» بختونی
این روز شاک انسان دوست
پایع شیر های میانی به «گودگان قدر»
پایع و پنهانی تقسیم شده بین معقان بیوز
پایع معین «وال تیت» «هسته»
کارگران اند

پایع خانه های ارزان برای مستکبران
پایع استقلال اقتصادی کشور
پایع «مکراسی» اسین بسود معزومان
پایع پیرانی بر عیجان از قیام کاسترو
پایع دوستی با اتحاد شوروی
پایع برز نهامتا با قول امیرالیم
پایع برز داشتن مجسمه چه گوارا
پایع ای که «ایروز» با سرگون شده
الحق که دکتر آلینده سخت و معین
بدهکار بود

و عه بعضی خود را با خون خود پرداخت
ولی این خون مقدس مانند شراب تسلی
پیکر آمریکایی لائین را

دیده از صحنه

کشور همسایه ما افغانستان

بجای اقصای گازهای پیش میروند

افغانستان مملی شود رسم کرد و پنهان گفت
ما در زندگی اقتصادی و اجتماعی و سیاسی
کشور خودمان تغییرات اساسی ایجاد خواهیم
کرد «مهمترین وظیفه جمهوری جوان است
که مملی نظام جدید را استحکام کند و
برای حفظ امنیت کامل آن تدابیر لازم را
بگیرد و برای آنکه خلق افغانستان یک
دمکراسی با ذات و خالی از تبعیض و دسترس
باید قانونی را در سراسر کشور تعیین نماید
مصد دارد شان اطلاع دارد حقه
بزدی کمپونی برای تعلیم قانون اساسی
جدید تشکیل خواهد شد و برای این میان
پردن طب مانده گی افغانستان باید تغییرات
بنیادی در کشور بیورد و به اقتصاد مستقل
مترقی و داری رفته موزین و معادله ایجاد
کرد» رئیس جمهور افغانستان بدین مناسبت
سیاست دژم سلطنتی را مورد انتقاد فرمود
و باید ایجاد ساختن یک قانون در افغانستان
توجه گردد و لذا در تاریخ پیش دولتی باید
تعیینات قاعده گرانه خود و در حین حال به
پشتی خصوصی و منابع متوسط و کوچک و
پشتی گدهای ضرورت مبدل شود رئیس
جمهور یاد کرد که قانون اطلاعات ارشی
تعیین و امیر خواهد شد و تعریح کارگی
باید در روستای افغانستان شرکهای گزنی
تولید بیورد «آی» وی گفت یک برهانه
اسلامات اجتماعی نیز در دست است که است که
نگاه همه آن جارت است از تبیین محافل
مزد برای کارگران «امیر» مزد مسافری برای
کار مسافری «تبیین حق کامل زنان دوله»
اقتان و مسلمات آنها با مردان
محمده دادو شان گفت حقه
جمهوری جوان اطلاعات خود را بدین حقه
دیده از صحنه

گرم خواهد ساخت

مانه کورده خورشید خواهد درخشید
و برنگاه های «لونی داد» یوزان را
«لونی داد» یوزان را
که از زیر موشکها «گودا» با چنگه
تاک ها
از میان و زلشکهای که به میدان نیز
آورد گاه اسیران بدل شده
از میان گاه هالی که حقه دیده
سوی اوربوند
سوی خورشیدی که هرگز غلوش
تخرامه شد
این خون نقاب بسی سالیس را را میبرد
و دود بی پندار را را بر باد میبرد
و ولایت غران به هر سوید
و بربر دیده را می گذرد
و اگر تر مظلوم را به نریز می رسد سخت
آزاد میگرد

